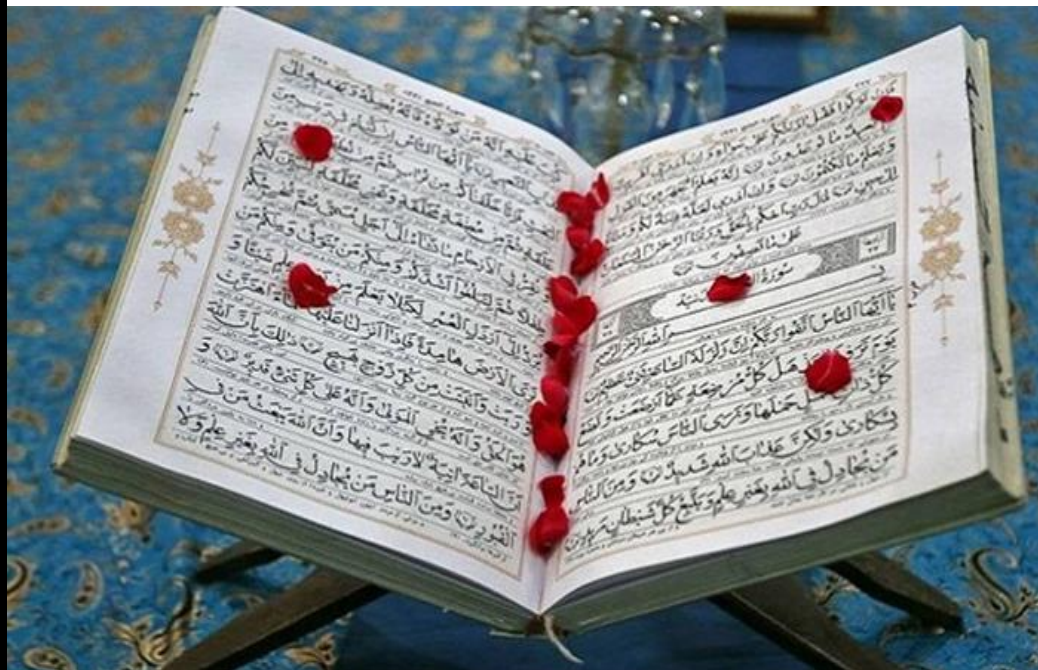


بسم الله الرحمن الرحيم

نکات کلیدی و تفسیری جزء پانزدهم قرآن کریم



ثمره بدیها و خوبی ها، فقط و فقط دامنگیر خودمان می شود

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ
وَ إِنْ أَسَاءْتُمْ (۷- اسراء)

اگر نیکی کنید، به خود نیکی کرده اید و اگر بدی هم کنید، باز به خود بد کرده اید.

علامه طباطبائی (ره) در تفسیر این آیه می نویسد: «لام» در «لأنفسکم» و نیز در «فلها»، لام اختصاص است یعنی: خوبی و بدی شما مختص به خود شما است، بدون اینکه چیزی از آن به دیگران بچسبد، و این خود قانون در حال اجرای خداست که اثر و تبعات عمل هر کسی را- چه خوب و چه بد- به خود او برمی گرداند. (۱) و این همان معنایی است که در قرآن به دفعات و با تعبیر گوناگون آمده است که «اثر هر عمل- چه خوب و چه بد- به صاحبش برمی گردد»

دوام وضعیت فعلی بسته به عملکرد شماست

إِنْ عُدْتُمْ عَدْنَا (۸- اسراء)

اگر شما برگردید ما هم بر می گردیم.

درباره کسی که فقط دنیا می خواهد می فرماید: کسانی که تنها هدفشان همین زندگی زودگذر دنیای مادی باشد، ما آن مقدار را که بخواهیم و به هر کس که صلاح بدانیم در همین زندگی زودگذر می دهیم؛ سپس جهنم را برای او قرار خواهیم داد که در آتش آن می سوزد در حالی که مورد سرزنش و دوری از رحمت خدا است

این فراز در واقع هشدار به کسانی است که پس از مدت‌ها سرکشی و تحمل عذاب‌های الهی به راه راست برگشته و از رحمت حق برخوردار گشته اند. در این خطاب تهدید می‌شوند که اگر دوباره به همان وضعیت سابق باز گردند خدا نیز دست از عنایت خود کشیده و به مانند گذشته با آنها رفتار خواهد کرد. (۲)

اما می‌توان از این جمله به یک قانون کلی تر هم دست یافت و آن اینکه هر ملت و جمعیتی که تغییر رویه دهند چه به سمت ارزش‌های دینی و چه به سمت رذایل نفسانی خداوند نیز نسبت به آنها تغییر رویه می‌دهد. (۳) اگر نور به ظلمت روند خدا نیز رحمت و عنایت خاصه خود را به روی آنها قطع کرده و با غضب و عذاب با آنها برخورد می‌کند و اگر از ظلمت خارج و وارد نور شوند عذاب خود را از آنها رفع و درهای رحمتش را به روی آنها می‌گشاید. (۴)

پاسخ خدا به کسی که دنیا می‌خواهد و کسی که به دنبال آخرت است

كَلَّا نُمَدِّ هَؤُلَاءِ وَ هَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا (۲۰- اسراء)

ما به هر دو گروه از لطف پروردگار عطا می‌کنیم زیرا هیچ کس از بخشش پروردگار محروم نیست.

بر اساس این آیه خداوند به هر دو گروه کمک می‌کند منتهی روش کار در اجابت آنها متفاوت است.

درباره کسی که فقط دنیا می‌خواهد می‌فرماید: کسانی که تنها هدفشان همین زندگی زودگذر دنیای مادی باشد، ما آن مقدار را که بخواهیم و به هر کس که صلاح بدانیم در همین زندگی زودگذر می‌دهیم؛ سپس جهنم را برای او قرار خواهیم داد که در آتش آن می‌سوزد در حالی که مورد سرزنش و دوری از رحمت خدا است. (۵)

دو قید در خصوص این گروه وجود دارد که قابل توجه است: «مَا نَشَاءُ»؛ آن مقداری که ما می‌خواهیم؛ نه آن مقداری که او می‌خواهد و «لَمَنْ نُريدُ»؛ آنهایی که ما می‌خواهیم؛ نه هر کس که می‌خواهد. بنابراین همه دنیاپرستان به خواستشان نخواهند رسید و آنها هم که می‌رسند تنها به مقداری از آن دست پیدا خواهند کرد و بعد از آن هم که جهنم در انتظار آنهاست.

و درباره کسی که در پی امنیت و رفاه در آخرت است می‌فرماید: کسی که آخرت را طلب کند و سعی و کوشش خود را در این راه به کار بندد، در حالی که به این راه و هدفش ایمان داشته باشد، این سعی و تلاش او مورد قبول الهی خواهد بود. (۶) بنابر این کسی که با ایمان قلبی و تلاش عملی در پی کسب سعادت اخروی باشد خداوند متعال از این تلاش او قدردانی کرده و بهشت را نصیبش می‌کند. (۷)

چه کسانی برادران شیطانند؟

وَلَا تُبَدِّرْ تَبْدِيرًا (۲۶) إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا (۲۷- اسراء)

هیچ گونه اسراف و ریخت و پاشی مکن. بی تردید اسراف کنندگان و ولخرجان، برادران شیاطین اند، و شیطان همواره نسبت به پروردگارش بسیار ناسپاس است.

شیطان ابتدا وسوسه کرده و به گناه دعوت می کند. پس از آنکه فرد اولین قدم را برداشت و خود را به آن آلود، وسوسه های بعدی سریعتر و راحتتر در او اثر می کند. هر چه انجام گناه ساده تر و سریعتر شود نشان از آن دارد که شیطان بهتر و بیشتر بر او تسلط یافته و به تعبیری بهتر سوار شده و افسار نفس را به دست گرفته است

«تبدیر» در اصل از ریشه «بذر» و به معنی پاشیدن دانه می آید، منتهی این کلمه مخصوص مواردی است که انسان اموال خود را به صورت غیر منطقی، مصرف می کند که معادل آن در فارسی «ریخت و پاش» است. به تعبیر دیگر تبذیر آن است که مال در غیر موردش مصرف شود هر چند کم باشد، و اگر در موردش صرف شود تبذیر نیست هر چند زیاد باشد. (۸)

در آیه بعد مبذرین را برادران شیاطین خواند که این برای آن است که آنها نیز نعمتهایی را که خدا داد، کفران می کنند و در غیر محلش، صرف می نمایند.

تعبیر به «اخوان؛ برادران» یا برای آن است که اعمالشان همدریف و هماهنگ اعمال شیاطین است؛ همچون برادرانی که یکسان عمل می کنند و یا به دلیل آن است که در دوزخ همنشین شیطان اند. (۹)

چرا برخی نمی توانند گناه را ترک کنند؟

قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَنُ أَخَّرْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا (۶۲- اسراء)

شیطان گفت: اگر تا روز قیامت به من مهلت دهی تمام فرزندان این کسی که بر من مقدم داشتی را افسار می زنم؛ مگر عده کمی.

اصل کلمه «احتناک» از «حنک» است. وقتی گفته می شود: «حنک الدابة بحبلها» معنایش این است که ریسمانی به گردن حیوان بست و او را کشید. خود «احتناک» هم به معنای افسار کردن است. (۱۰)

شیطان ابتدا وسوسه کرده و به گناه دعوت می کند. پس از آنکه فرد اولین قدم را برداشت و خود را به آن آلود، وسوسه های بعدی سریعتر و راحتتر در او اثر می کند. هر چه انجام گناه ساده تر و سریعتر شود نشان از آن دارد که شیطان بهتر و بیشتر بر او تسلط یافته و به تعبیری بهتر سوار شده و افسار نفس را به دست گرفته است. از این به بعد او می برد هر جا که خاطرخواه اوست و این افسار به دهان یا گردن هم می رود هر جا که او می کشد. چنین کسی به عیان مشاهده می کند که تلاشهای سطحی او برای ترک گناه سودی ندارد و با کوچکترین حرکتی که شیطان به افسار می دهد او با سرعت به سمت گناه رفته و آن را مرتکب می شود.

چاره رهایی از این اسارت، توبه ای حقیقی و تلاش جدی در سایه توکل به خدا و توسل به اولیای اوست.

قرآن با دو تاثیر متضاد

و نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا (۸۲- اسراء)

ما قرآن را نازل می کنیم که مایه شفاء و رحمت مؤمنان است؛ ولی ستمگران، جز خسران و زیان بیشتر، چیزی بر آنها نمی افزاید.

اگر قرآن را شفا نامیده با اینکه شفا باید حتما مسبوق به مرضی باشد، خود این معنا را می رساند که دل‌های بشر حالتی دارد که اگر قرآن را با آن مقایسه کنیم خواهیم دید که همان نسبتی را دارد که یک داروی معالج با مرض دارد.

از اینجا روشن می شود که انسان، همانطور که سلامتی و بیماری جسمی دارد، سلامتی و بیماری روحی هم دارد و همانطور که اختلال در نظام جسمی او باعث می شود که دچار مرضهایی جسمی گردد، اختلال در نظام روحی او نیز باعث می شود به انواع بیماریهای روحی مبتلا شود (۱۱) و همانطور که برای مرضهای جسمی دارویی وجود دارد، برای مرضهای روحی نیز دارویی هست. (۱۲)

اگر قرآن را شفا نامیده با اینکه شفا باید حتما مسبوق به مرضی باشد، خود این معنا را می رساند که دل‌های بشر حالتی دارد که اگر قرآن را با آن مقایسه کنیم خواهیم دید که همان نسبتی را دارد که یک داروی معالج با مرض دارد

قرآن کریم همان نسخه شفابخش است که داروی تمام مرضهای روحی را ارائه می کند؛ البته این نسخه، برای مومنین که به آن ایمان دارند و پذیرای آن هستند نافع است و شفا دهنده ولی برای غیر مومنین که آن را باور ندارند و پذیرای آن نیستند نه تنها شفا دهنده نیست؛ بلکه بر درد و آلام درونی آنها می افزاید. باید توجه داشت که علت این افزایش درد، قرآن نیست بلکه آن مرض درونی آنهاست که چون دارو را نمی پذیرد واکنش های دردآور بیشتری از خود نشان می دهد.

پی نوشت ها:

- (۱) المیزان ج ۱۳ ص ۴۱
 - (۲) ر.ک به المیزان ج ۱۳ ص ۴۲
 - (۳) ر.ک به نمونه ج ۱۲ ص ۲۷
 - (۴) آیه ۹۶ سوره اعراف
 - (۵) آیه ۱۸ سوره اسراء
 - (۶) آیه ۱۹ سوره اسراء
 - (۷) ر.ک به نمونه ج ۱۲ ص ۶۳-۶۵
 - (۸) نمونه ج ۱۲ ص ۸۶
 - (۹) همان ص ۸۸
 - (۱۰) المیزان ج ۱۳ ص ۱۴۵
 - (۱۱) در آیات و روایات معمولاً با تعبیر «مرض قلب» از این بیماریها یاد شده است. مانند: آیات ۶۰ سوره احزاب و ۳۱ سوره مدثر
 - (۱۲) المیزان ج ۱۳ ص ۱۸۲-۱۸۳
- منبع: هیات رزمندگان اسلام

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیرحضوری حوزه های علمیه خاوران

<http://vufarhangi.whc.ir/>